

« مقاله دلائل قرآنی در رد میرزا اسمعیل همدانی »

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بدانکه میرزا اسمعیل ناظم مدرسه آمریکائی در همدان يك مقاله نوشته و بخیال خودش خواسته توراۀ و انجیل موجود در دست یهود و نصاری را از کتب مقدسه نماید و آنهارا ترویج بکند و مردمان این زمان را بر آنها ترغیب نماید و چند آیه از قرآن مجید شاهد آورده بگمان خود بر اینکه آنها تحریف و تغییر و تبدیل نشده و نتیجه اینها بخیال خودش تمسک کردن مردمان است بر آن کتابهاییکه فعلا در دست یهود و نصاری با اسم توراۀ و انجیل موجود است هر چه باشد و از هر که باشد و با ترجمه هر قشه و هر شمشه و هر مسمی بخلیفه شود بدون تحقیق از جمع کننده آنها و من غیر تدقیق از تألیف نماینده آن کتابها و ترجمه کننده آنها بر زبانهای مختلفه در مرات عدیده و دفعات متعدده و بدون علم بعدالت و دیانت و امانت و راستگوئی تألیف کننده و جمع نماینده و ترجمه کننده آنها و این خیال و گمان صاحب مقاله است پس احقر در جواب او اولاً میگوید که ما فرض میکنیم که توراۀ و انجیل تحریف نشده و لکن میگوئیم حضرت موسی و عیسی فقط از برای بنی اسرائیل پیغمبر بودند نه بر جمیع مردمان از ایران و توران و غیر از اینها از بلدان و بر این مطلب در قرآن تصریح فرموده چنانکه در سوره بنی اسرائیل میفرماید

واتیما موسی الکتاب وجعلناه هدی لبنی اسر آئیل ودر سوره سجده فرموده
 ولقد اتینا موسی الکتاب فلا تکن فی مریة من لقائه وجعلناه هدی لبنی
 اسر آئیل یعنی ما بحضرت موسی کتاب عطا کردیم و او را از برای بنی اسر آئیل
 هدایت کننده قرار دادیم و در خصوص حضرت عیسی در سوره آل عمران میفرماید
 و یعلمه الکتاب والحکمة والتوریه والانجیل ورسوالاتی لبنی اسر آئیل
 ودر سوره صف فرموده واذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسر آئیل انی رسول الله
 الیکم ومضمون این دو آیه اینست که آنحضرت فقط از برای بنی اسر آئیل پیغمبر
 است چنانکه معنای دو آیه سابق پیغمبر بودن حضرت موسی است فقط از برای
 بنی اسر آئیل پس میرزا اسمعیل همدانی اگر بر قرآن مجید اعتقاد دارد و با آیات
 قرآن مبین دلیل میآورد بر حق بودن توراة و انجیل موجود در دست یهود و
 نصاری پس بمقاد این چهار آیات شریفه پیغمبر بودن ایشان و هدایت شدن توراة
 و انجیل فعلی یهود و نصاری منحصر است بخصوص بنی اسر آئیل نه بر سایر مردمان
 و بلکه یهود و نصاری شدن غیر از بنی اسر آئیل و تمسک کردن اهل سائر
 ولایات که از بنی اسر آئیل نیستند بر توراة و انجیل حاضر و فعلی باطل است
 بعلت اینکه در زمان سابق از برای هر طائفه یک نفر پیغمبر بوده و پیغمبر یک
 طائفه بر طائفه دیگر ربطی نداشت و اما نبوت و رساله محمد بن عبدالله ﷺ
 پس با صریح قرآن مجید بر تمام مردمان است چنانکه در سوره اعراف فرموده
 قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً ودر سوره فرقان است تبارک
 الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیراً ودر سوره سباء میفرماید

وما ارسلناك الاكافة للناس بشيراً و نذيراً و در سوره احزاب ولكن رسول الله و خاتم النبیین و در سوره توبه و فتح وصف هو الذي ارسل رسوله بالهدى و بين الحق ليظهره على الدين كله و مضمون اين آيات شريفه با اعتقاد ميرزا اسمعيل كه با آيات قرآن مبين با خيال خودش شاهد آورده اينست كه آنحضرت بر جميع مردمان پيغمبر است و نبوت و رسالت در او ختم شده و دين حق آنحضرت بر تمام اديان حق ناسخ است و بر جميع اديان باطله غالب است و اين مفاد آيه توبه و فتح وصف است پس بنا بر اعتقاد ميرزا اسمعيل كه قرآن شريف مدرک صحيح قرار ميدهد نبوت حضرت موسی و عيسى عليهما السلام را منحصر شد بخصوص بنی اسرائيل و اولاد حضرت يعقوب تا بروز آمدن حضرت پيغمبر صلى الله عليه و آله و سلم و نبوت و رسالت حضرت پيغمبر ما اسلاميان شامل گرديد بجمع مردمان دنيا تا بروز قيامت و حشر و نشر مردمان و ايضاً در جواب ميگريم كه ميرزا اسمعيل اين آيه را در آل عمران با خيال خود شاهد آورده نزل عليك الكتاب بالحق مصداقاً لما بين يديه و انزل التوراة و الانجيل من قبل هدى للناس بر هدايت بودن توريه و انجيل از براي مردمان كه معنای هدى للناس باشد و از واضحات است كه اين يك آيه است و معنای آيه اينست كه خداوند تعالى قرآن را با درستي و راستی و حقايت بر آنحضرت نازل کرده در حاليكه اين قرآن تصديق ميكند پيغمبران گذشته را و نازل فرموده توريه و انجيل را در زمان سابق براي هدايت مردمان آن زمان چنانكه قرآن را با حقايت از براي هدايت مردمان اين زمان نازل فرموده و ترجمه آيه اينست بلا شك و بدون

شبهه از احدی از اهل لسان عرب پس چنانکه توریة و انجیل را در این آیه هدایت مردمان زمان سابق قرار داده و همچنین قرآن را با حقانیت نازل کرده و در صورتیکه قرآن در این زمان حق و درست و راست باشد چنانکه اول آیه با صراحت میگوید پس بودن توریة و انجیل هدایت مردمان در زمان سابق چه فائده بر این زمان دارد و ایضاً ما اسلامیان اعتقاد داریم بر اینکه آن دو کتاب در زمان سابق مثل آن دو پیغمبر سبب هدایت مردمان بوده اند و بلکه جمیع پیغمبران و کتاب ایشان هر یکی در زمان خودشان هدایت مردمان مرکز نبوت خود بودند و اختصاص بحضرت موسی و عیسی ندارد و کتاب صحف آدم و شیت و ابراهیم و غیر از ایشان از برای هدایت مردمان آن زمان بوده است مثل حضرت موسی و عیسی و هدایت بودن توریة و انجیل در آن زمان منافات ندارد با بودن قرآن هدایت مردمان این زمان چنانکه هدایت بودن آدم صحف او و یاشیت و نوح و ابراهیم در سابق منافات ندارد با بودن توریة و انجیل هدایت زمان خودشان و ما اسلامیان با صریح قرآن جمیع پیغمبران را و کتابهای ایشان را هدایت مردمان زمان خودشان میدانیم و این منافات ندارد با اینکه قرآن مجید هدایت بوده باشد بعد از آنها و ناسخ شود بر آنها چنانکه توریة و انجیل ناسخ کتابهای و شرایع سابقه بوده است پس این آیه فائده بر میرزا اسمعیل ندارد و بلکه این آیه دلیل واضح است بر حق بودن احکام قرآن بعد از حق بودن توریة و انجیل در زمان سابق بر زمین پیغمبر ما اسلامیان و ثانیاً احقر میگوید که توریة و انجیل که بحضرت

موسی و عیسی نازلشده و آنها را حضرت موسی و عیسی کلام خداوند دانسته و بطریق وحی بایشان از جانب خداوند نازل گردیده پس آنها هدایت مردمان زمان خودشان است نه هر کتاب که با اسم توریة و انجیل بعد از حضرت موسی و عیسی جمع شده و نوشته گردیده و ما اسلامیان اقرار داریم بر اینکه آنچه بحضرت آدم و سایر پیغمبران نازل شده و با وحی و الهام از خداوند بایشان رسیده برای هدایت امت ایشان است تا بظهور و آمدن پیغمبری بعد از دیگری نه بر هر کتابیکه بعد از آن پیغمبر با اسم صحف آدم و یا شیث و یا نوح و یا ابراهیم و یا بنام زبور و توراة و انجیل از بعض علماء آنها نوشته اند پس آن زبور و توریة و انجیل که بر آن پیغمبران از طرف خداوند نازلشده و کلام خداست همه آنها سبب هدایت مردمان و نور و موعظه و دین حق آن زمان است تا بآمدن پیغمبری بعد از او و قرآن مجید ما مسلمین همین را تصدیق میکنند نه هر کتاب را که بعد از آن پیغمبران امت ایشان از خودشان و بخیال خود و بارأی خود نوشته اند زیرا که اینها از طرف خداوند نازلشده و بر پیغمبران وحی گردیده است و ثالثاً احقر میگوید که آیات قرآن تحریف و تبدیل و تغییر این توریة و انجیل که در دست یهود و نصاری فعلاً موجود است تصریح فرموده چنانکه در سوره نساء فرموده **من الذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه ویقولون سمعنا و عصینا** یعنی جمعی از یهودیان تحریف میکنند کلمات توریة را از محل آنها و چیزی دیگر در جای آنها میگذارند و میگویند بر پیغمبر **صلی اللہ علیہ و آله و سلم** که ما شنیدیم فرمایشات ترا و عصیان نمودیم

واطاعت نکردیم ودرمائده میفرماید ولقد اخذ الله ميثاق بني اسرائيل
 تا آنکه فرموده فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم وجعلنا قلوبهم قاسية يحرفون
 الكلم عن مواضعه ونسوا حظا مما ذكروا به ولا تزال تطلع على خائنة منهم
 الا قليلا منهم یعنی هر آینه خداوند اخذ فرمود عهد و پیمان را از بنی اسرئیل
 پس از جهت نقض کردن آنها عهد خودشان را آنها را از رحمت خودمان دور
 کردیم و قلب آنها را با قساوت نمودیم که بر همدیگر رحم نکنند و یکدیگر را
 بکشند و آنها تحریف میکنند کلمات خداوند را در توریة و انجیل از محلش و نسیان
 و ترك کردن اشیاء زیاده را از آنچه بآنها گفته شده و تو ای پیغمبر ما اغلب اوقات
 مطلع میشوی بر خیانت کردن آنها بر آیات توریة و انجیل و بر احکام خداوند
 مگر جماعت اندکی از آنها که خیانت نمیکند و ایضاً درمائده فرموده یا اهل
 الكتاب قد جاءكم رسولنا بين لكم كثيرا مما كنتم تخفون من الكتاب و
 يعنون عن كثير یعنی ای اهل توریة و انجیل هر آینه آمدن آن پیغمبر موعود ما
 که بشما وعده داده بودیم با زبان حضرت عیسی آمدن او را چنانکه در سوره صف
 فرموده و اذ قال عيسى بن مريم يا بني اسرائيل اني رسول الله اليكم
 مصدقا لما بين يدي من التوراة و مبشرا برسول يأتي من بعدي اسمه احمد
 پس همان پیغمبر آمد و بیان میکند از برای شما چیزی بسیاری از آنچه
 شما آنهارا از کتاب خود مخفی و پوشیده میکنید و برای مردمان اظهار نمیکنید
 و با وجود اینها بسیاری از آن مخفی نموده ها را و پوشیده شده ها را عفو
 میکند و بشماها نمیگوید و ایضاً درمائده و من الذين هادوا سماعون

للكذب سماعون لقوم آخرين لم ياتوك يحرفون الكلم من بعد مواضعه
یعنی جمعی از یهود بر سخنان دروغ و کذب محض گوش میکنند و بر آن اکاذیب
ترتیب اثر مینمایند و گوش میکنند بر سخنان دیگر از یهود یا نیکه بحضور تو
حاضر نمیشوند از جهت تکبر و تجبر کردن آنها و تحریف میکنند کلمات توریة
را بعد از وضع آن کلمات در موضع خود بر محل دیگر و در بقره و قدگان فریق
منهم یسمعون کلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه وهم یعلمون یعنی
هر آینه بود يك فرقه از یهودیان که کلام خداوند را میشنیدند و بعد از آن
آنرا تحریف میکردند و تحریف آنها بعد از آن بود که تعقل میکردند و
میدانستند و با وجود فهمیدن و دانستن کلمات خداوند را تحریف و تغییر میدادند
و ایضاً در بقره فویل للذین یکتبون الكتاب باید یبهم ثم یقولون هذا
من عند الله لیشتروا به ثمناً قليلاً فویل لهم مما کتبت اید یبهم و ویل
لهم مما یکسبون یعنی ویل باد از برای آن کسانی که با دست خودشان کتاب
توریة را با تحریف و تغییر مینویسند و بعد از تغییر و تبدیل میگویند این از جانب
خداوند است و حکم او اینست و این تحریف را میکنند تا آنکه بخرند با این
ثمن اندک را پس ویل باد برای آنها از جهت آنچه دست آنها نوشت و ویل باد
بر آنها از جهت آنچه کسب کردند از مال بسبب تحریف کردن کتاب خداوند
ببادست خودشان پس در این شش آیات شریفه خداوند تعالی تصریح فرموده
بر تحریف و تبدیل کردن اهل توریة و انجیل کتاب خودشان را و علت این
دو آیه آخر فروختن آنها بود دین را بدنیا و کسب کردن مال دنیا بود

زیرا که اگر آنکتابها تحریف نمیشد و در حال اول بود علماء آنها رئیس و صاحب مال و جاه و ثروت نمیشدند و باید ایمان میآوردند بر پیغمبر ما اسلامیان چنانکه در آیه صف حضرت خبر داده بود پس جماعت یهود و نصاری علایم و صفات پیغمبر ما را تحریف و تغییر دادند تا آنکه جماعت عوام آنها آنحضرت را نشناسند و بر او ایمان نیاورند و در دین خود شان بمانند و برای علماء آنها ریاست و ثروت بوده باشد چنانکه جماعت علماء یهود علامات و نبوت حضرت عیسی را مخفی و مستور نمودند تا آنکه ریاست و ثروت آنها باقی باشد و بلکه تا بحال علماء یهود حضرت عیسی را پیغمبر نمیدانند و عوام خودشان را فریب داده اند و نبوت را در حضرت موسی ختم و تمام کرده اند تا آنکه نبوت بحضرت عیسی نرسد و ریاست آنها از دست خودشان بیرون نشود و همچنین چند نفر از علماء نصاری علامات و معجزات نبوت پیغمبر ما را بر عوام نصاری اظهار نکردند تا آنکه آنها رئیس و صاحب مال بوده باشند و ریاست آنها از دست نرود و هکذا بعد از پیغمبر ما خلافت و امامت را جمعی از امت آنحضرت بر وصی و خلیفه واقعی او ندادند از جهت جمع کردن ثروت و اموال دنیا چنانکه سلاطین این زمان باقهر و غلبه و اکراه بمردمان ضعیف و دولتهای عاجز مسلط میشوند و مملکت يك ملت و دولت ضعیف را تصرف میکنند و از اول دنیا چنین بوده و اکثر و اغلب مردمان هر زمان دنیا دوست و دین فروش شده اند و مردمان دیندار و تقوی شعار و خداوند شناس در هر زمان کمتر بودند و بر فرض وجود ایشان مغلوب و مقهور

گردیده پس چنانکه جمعی از علماء یهود نبوت حضرت عیسی را انکار کردند و قبول نمودند و هکذا جمعی از علماء نصاری نبوت پیغمبر ما را قبول نکردند از جهت ریاست خودشان و علایم و اوصاف او را تحریف و تبدیل نمودند که ریاست و ثروت آنها باقی باشد و صاحب اموال و املاک شوند میرزا اسمعیل که ظاهراً اظهار ایمان بقرآن دارد این آیات را با دقت ملاحظه نماید و در این شش آیه با صراحت بیان فرموده تحریف شدن توریة و انجیل را پس اگر آیه شریفه **هدی للناس** از قرآن است و در تعریف توریة و انجیل است و همچنین شش آیه مذکوره در تغییر و تحریف آنها است و هر دو قرآن است و هدایت بودن آنها در زمان حضرت موسی و عیسی با آن نحویکه از خداوند نازل شده صحیح است و قرآن تصدیق کرده و تحریف شدن آنها بعد از حضرت موسی و عیسی نیز صحیح و تصدیق قرآن است و در میان آیات قرآن منافات ندارد و همه آیات قرآن موافق واقع است و هر یکی در جای خودش درست است و تناقض نیست و رابعاً با دلیل عقلی ثابت است تحریف شدن انجیل و توریة موجود در دست آنها بعلت اینکه توریة و انجیل کلام خداوند بوده است و از خداوند نازل شده است بحضرت موسی و عیسی و آنها احکام خداوند است بایشان در زمان خودشان و اما این توریة و انجیل که در دست یهود و نصاری است پس اینها کلام خداوند و احکام او نیست و بلکه اینها تاریخ وقایع و اتفاقات زمان حضرت موسی و عیسی است با مختصر ذکر بعض احکام در آنها

بدلیل اینکه توریة و انجیل خداوندی يك كتاب بود و حال آنکه حالا بنام آنها چند کتاب با اسم توریة و انجیل جمع شده و آیا انجیل نازل شده آسمانی انجیل متی و یا انجیل لوقا و یا انجیل مرقس و یا انجیل یوحنا است و کدام یکی از طرف خداوند نازل شده و یا همه آنها از خداوند است و اگر بگویند که همه آنها از طرف خداوند نازل شده پس چرا در میان آنها اختلاف بسیار واقع شده و اگر بگویند یکی از آنها از خداوند است پس باقی آنها از خداوند نخواهد شد و دروغ و افتراء بستن بخداوند خواهد بود و در هر دو فرض تحریف و تبدیل و تغییر در آنها ثابت میشود بدون شك از احدی از اهل بصیرة و بلکه در هر صورت تحریف آنها بر عوام و نسوان و صبیان واضح است تا چه رسد بمردمان عاقل و و تا چه رسد بر اشخاص با انصاف و تا چه رسد بمردان متدین بر دین حق و اما کسی که عقل ندارد و انصاف نداشته باشد و متدین بر دین حق نشود پس از برای او حضرت موسی و عیسی و پیغمبران گذشته و فرمایشات حضوری ایشان فائده نخواهد کرد چنانکه بر بعض علماء یهود فرمایش و معجزه حضرت عیسی فائده نداد و از دین باطل خود برنگشت و فرموده و معجزه آنحضرت را سحر نامیده و ایمان نیاورد و در زمان پیغمبر ما نیز چنین شد و بالجمله توریة و انجیل فعلی که در دست آنها است تحریف شده است و در زمان سابق کاغذ نبود و طبع و نشر نبوده و نسخهای آنها کم بوده و تحریف و تغییر آسان بود و مخفی و مستور کردن حق سهل بوده است و اختیار کتابها در دست علماء با ثروت و اموال

بود و ریاست دین و بلکه دنیا در تصرف علماء متمولین بوده است و هر چه میخواستند میکردند از تغییر و تبدیل و تحریف و جعل قانون در میان مردمان چنانکه اولیاء و امراء و وزراء هر دولت با وجود مذهب و ایمان آنها بیک نفر پیغمبر يك قانون وضع نموده اند و در مقابل مذهب و دین خود بآن قانون عمل میکنند و تحریف و تبدیل دین و کتاب خداوند همین است و خامساً در این توریة و انجیل بعض چیزها است که آنها را نمیشود بشخص متدین نسبت داد تا چه رسد بر پیغمبر و تا چه رسد بخداوند مثل اینکه در توریة از زبان خداوند برهرون میگوید که تو هر وقت خواسته باشی بر چادر من بیائی يك قدر زنك و چنك بردامن خود ببندی تا آنکه از صدای چنك ترا بشناسم و در انجیل متی میگوید که حضرت عیسی بعروسی رفت و شراب خواست گفتند شراب تمام شده گفت کوزه ها را پر از آب بکنید پس کوزه ها را از آب پر کردند و آنها را بدعا و معجزه شراب نمود و در آن مجلس خوردند و حضرت عیسی چه کرد و موسی چه ها کرده و فلان کس چه گفت و فلان شخص چه اقدام نمود و هکذا که ذکر آنها قباحت دارد و این نحو گفتار و مثل این کردار و نظیر این رفتار چه مناسب دارد بپیغمبر زمان و پیشوایان مردمان تا چه رسد بر خالق انس و جان و گفته و فعل فلان شخص چه ربطی بکلام و کتاب خداوند و حکم او دارد و آیا ذکر احوالات حضرت موسی و عیسی بعد از ایشان از يك نفر و یا دو و سه نفر از نقل کننده احوالات واقعه در زمان سابق و آن نیز با اختلاف شدید توریة

وانجیل میشود و آیا نقل وقایع زمان آدم و یا نوح و یا ابراهیم کتاب آدم و نوح و ابراهیم خواهد شد و یا کتاب خداوند است بلی آنچه خداوند بحضرت موسی و عیسی دستوالعمل داده و وحی نموده و بدون اختلاف در نسخهای توریة و انجیل ذکر شده پس آنها کلام خدای تعالی و احکام او است بر مردمان آن زمان و هدایت همان مردمان است و آنچه میرزا اسمعیل گفته که بعض نسخهای توریة و انجیل از زمان قدیم مانده و تحریف نشده و نسخهای جدید با آنها موافق است اولاً دروغ است و ثانیاً فائده ندارد و بعلت اینکه آنها کلام و کتاب خداوند نیست و بلکه آنها تألیف و جمع بعض حواریون و اصحاب حضرت موسی و عیسی است چنانکه بیان شد و اگر او هزار دلیل و شاهد اقامه نماید بر عدم تحریف توریة و انجیل پس آنها فائده ندارد و بلکه باطل است در مقابل دلیلهای نقلی و عقلی ما اسلامیان بر وقوع تحریف و تبدیل در آنها چنانکه ذکر شد بعلت اینکه شهادت بر نفی و بر عدم در هیچ مذهب و ملت فائده ندارد و اگر هزار نفر شخص عادل بگویند که زید بر عمر و مدیون نیست و در این اثناء اگر دو نفر عادل بگویند که مدیون است پس دین زید بعمر و ثابت میشود و میرزا اسمعیل تا بحال این مسئله عرفی و شرعی و مسلم را نفهمیده و از قانون مذاهب ملل عالم بدون اطلاع است و کسیکه با این جهل و نادانی باشد و ضروریات را نداند چطور مقاله مینویسد و راضی بر نشر کلمات خود میشود و شاید مراد او پول گرفتن باشد و در این ضمن خواسته اظهار بطلان دلائل امریکائیان را نماید که ای مردمان

بدانید که اینها دلایل آنها است و این دلیلها از بیت عنکبوت اوهن است و الا مرد عاقل نباید چنین بگوید و خودش را در نظر عاقلان جاهل نشان بدهد و تحریف توریة و انجیل را احقر با صریح خود آن کتابها در کتاب کشف الحجاب در نجاست اهل کتاب ذکر کرده و حقانیت مذهب اسلام و حق و صدق بودن قرآن را در کتاب عروة الوثقی و در کتاب عقاید الاسلام با تفصیل فی الجملة بیان کرده ام هر که تفصیل خواسته باشد به آن کتابها رجوع نماید و سادساً آیاتی که میرزا اسمعیل از قرآن شاهد آورده با خیال خودش بوجوب تابع شدن بر توریة و انجیل وعدم تحریف و تبدیل در آنها اگر حق بوده و دلالت داشته پس در زمان پیغمبر ما از علماء و یهود و نصاری کسانی بودند که هزار مرتبه از میرزا اسمعیل اعلم و با خبر و دانا بوده و چرا آن کسان بر پیغمبر صلی الله علیه و آله ما ایراد و رد نکردند و چرا جواب از آیات تحریف شدن توریة و انجیل ندادند و چرا علماء و دانایان یهود و نصاری نگفتند که آیات قرآن تو دلیل است بر تابع شدن مردمان این زمان بر این کتابهای ماها با وجود این که چقدر از اهل لسان عرب یهود و نصاری با پیغمبر صلی الله علیه و آله ما همجوار بودند و زبان آنها عربی بود و حالا نیز هستند و چرا آنها و غیر انه آنها با این آیات با آنحضرت گفتگو نکردند و جواب آنحضرت را ندادند و حال آنکه آنحضرت سیزده سال در مکه شمشیر و لشکر نداشته و براقامه دلیل هر کس حاضر بوده و جواب ایرادکنندگان را مینفرمود

و هر که او را از جانب خداوند میدانست و قرآن مجید او را حق

میفهمید ایمان اظهار میکرد و طول کلام نشود :

اگر در خانه کس است يك حرف بس است

تمام شد در بیست و دویم ماه رجب در سال

هزار و سیصد و چهل و پنج هجری

حرره الاحقر الارومی

« (عرب باغی) »